[364] سوخت ز سوز ساز تو مفتقر نوال تو صورت شاهد ازل جلوه گراز جمال تو * معنی حسن لم يزل در خور خط وخال تو جام جهان نمای جم ساغر درد نوش تو * طلعت ليلی قدم آينه مثال تو كوكب دری فلك شمع در سرای تو * سرمه ديده ملك خاك ره نعال تو عرصه فرش ساحت گوشه نشين گدای تو * قبه عرش حلقه منطقه جلال تو دفتر علم ومعرفت نسخه حكمت وادب * نقطه مهملی است در دائره كمال تو ماه دو هفته بنده حسن يگانه روی تو * پير خرد بمعرفت كودك خردسال تو رفرف عقل پير اگر از سرسدره بگذرد * باز نمی رسد باول قدم خيال تو نخله طور اگر گهی دم زند اناالـلهی * داد سماع می دهد مطرب خوش مقال تو گلشن جان نمی دهد چون تو گلی دگر نشان * خلد جنان نپرورد سرو باعتدال تو خضر اگر چه زندگی زاب حيات يافته * باز كند دوندگی در طلب زلال تو أي بفدای ناز تو وان دل دلـنواز تو * سوخت ز سوز ساز تو مفتقر نوال تو " كمپانی " _____